

نگاهی به اهداف و آثار ازدواج در قرآن

<"xml encoding="UTF-8?">



مقدمه

یکی از بناهای پر اهمیت اجتماع، ازدواج و تشکیل خانواده است در این واحد اولیه اجتماعی سنگ بنای تعلیم و تربیت نهاده میشود و انسان در عرصه ازدواج به آرامش و تکامل میرسد. در این مقاله سعی شده است که با نگاهی اجمالی به اهداف و آثار ازدواج از نظر قرآن کریم به تبیین اهمیت این سنت حسنه پرداخته شود. مطلب را با هم از نظر می گذرانیم:

مفهوم ازدواج

ازدواج، در عرف و شرع، پیمان زناشویی است که براساس آن، برای مرد و زن در برابر هم، تعهدات اخلاقی و حقوقی پدید می آید که سرپیچی (از بسیاری) از آنها، عقوبت و کیفر در پی خواهد داشت. در هر آیینی، ازدواج با قوانین و مقررات ویژه ای صورت میگیرد و اسلام به آداب و رسوم دیگر اقوام احترام گذاشته است: «لکل قوم نکاح» از پیمان زناشویی در قرآن به «نکاح» نیز تعبیر شده، و به دو معنا به کار رفته است:

1. آمیزش جنسی (بقره / 230؛ نساء/6)

2. عقد ازدواج (نور/32)

اهداف و آثار ازدواج

حکمت ها و آثار مهمی بر ازدواج ترتب دارد، و قرآن در آیاتی به آنها پرداخته است. در برخی موارد، هر چند زن و مرد با یکدیگر زندگی میکنند، اهدافی که باید در زندگی آنان حاکم باشد، از میان می‌رود و دو طرف بدون آن که بهره‌ای از زندگی مشترک ببرند، با یکدیگر زندگی میکنند برخی گفته‌اند:

هر جا نشانه‌های الفت و حکمت‌های زوجیت چه در دنیا و چه در آخرت برقرار باشد، قرآن واژه زوجیت را به کار برده است. (روم / 21 فرقان/ 74 زخرف/ 70 بقره/ 25 یس/ 56)، و هرگاه جای این نشانه‌ها و حکمت‌ها را بغض و خیانت یا تفاوت عقیده زن و مرد با یکدیگر پر میکند، قرآن از کلمه «امرأه» استفاده کرده است (یوسف/ 30 تحریم/ 10 و 11)، همچنین آن جا که حکمت زوجیت (بقای نسل انسان) از میان برداشته می‌شود، باز قرآن واژه «امرأه» را به کار برده است (ذاریات/ 25 مریم / 4 و 5 آل عمران/ 40)؛ بدین سبب دوباره وقتی این حکمت سر برمی‌آورد و ثمره زوجیت به بار مینشیند، باز قرآن تعبیر را عوض کرده کلمه «زوج» را به کار می‌برد. در آیه 40 آل عمران، زکریا به خدا خطاب میکند که همسر من نازا است: «و امرأتی عاقراً»؛ ولی وقتی دعای او اجابت می‌شود، قرآن می‌فرماید: «و اصلحنا له زوجة»

1- حفظ انساب:

ازدواج و رعایت مقررات آن، نسب را حفظ میکند. در اسلام، حفظ نسب، پایه احکام و حقوق فراوانی است. بعضی از احکام فقهی، بر شناخت رابطه فرزند با پدر و مادر یا بر شناخت نسبتهای فامیلی دیگر، مبتنی است. تبعیت فرزند از پدر و مادر در کفر و اسلام، در طهارت و نجاست، در بردگی و حریت، ربابین پدر و فرزند، قصاص نشدن پدر به قتل فرزند، مقبول نبودن شهادت پسر بر ضد پدر، وجوب قضای نمازهای میت بر پسر بزرگ تر، مسائل ارث، ولایت پدر و جد، حقوق طرفینی مانند حق حضانت و نفقات، حقوق والدین و اطاعت از آنها و مسائل اخلاقی مانند صله رحم، هبه به اقارب، عقیقه فرزند و مسائل فراوان دیگری، بر حفظ انساب متوقف است.

و از این جا به اهمیت ازدواج و مراعات حدود آن نیز پی می‌بریم. حفظ نسب، حکمت عده زن بین دو ازدواج شمرده شده است. انتظار زن برای ازدواج دوباره پس از وفات شوهر به مدت چهار ماه و ده روز (بقره / 234)، عده زن به مدت سه دوره پاکی پس از طلاق (بقره / 228) و انتظار زن باردار برای ازدواج مجدد تا هنگام وضع حمل (طلاق/ 4) همه این مقررات گویای اهمیت حفظ نسب است. حرمت ازدواج با زن شوهردار (نساء / 24)، و حرمت زنا (اسراء/ 32) نیز برپایه حکمت حفظ نسب قرار داده شده است.

2- برخورداری از سکون و آرامش:

نیاز روح به کانون آرامش، با اهمی تتر از نیاز جنسی است. همسر شایسته در پیش آمدهای زندگی، راه وصول به

آرامش و سعادت را نزدیک میکند: «و من آیاته أن خلق لكم من أنفسكم أزواجا لتسكنوا اليها...»، «...و جعل منها زوجها ليسكن اليها»...

برخی مفسران، مقصود از لباس را در آیه 187 بقره، سکون و آرامش دانسته‌اند؛ همان گونه که خدا شب را لباس (مایه آرامش و سکون) دانسته: «و جعلنا الليل لباس لكم و انتم لباس لهن» نیز به سکون و آرامشی که با همسر حاصل میشود، اشاره خواهد داشت.

3- حفظ نوع بشر:

طبق بیان قرآن، ازدواج وسیله‌ای برای تولید و بقای نسل در انسان و حیوان است: «... جعل لكم من أنفسكم أزواجا و من الانعام أزواجا يذروكم فيه...»

گرچه جمله «یذروکم فیه» تکثیر نسل انسان را بیان داشته است، در این جهت، میان انسان و چهارپایان و گیاهان فرقی نیست. در جای دیگری میفرماید: پروردگار، شما را از «نفس واحدی» آفرید و جفتش را نیز از او خلق کرد، و از آن دو، مردان و زنان بسیاری را پراکنده ساخت: «... و بث منهما رجالاً كثيراً و نساء...». در آیه 72 نحل میفرماید: از همسرانتان برای شما فرزندان و نوه‌ها قرار داد «... و جعل لكم من أزواجكم بنين و حفده». قرآن، بقای نسل انسان و اجتماع مدنی را به ازدواج منوط میداند و روی آوردن به زنا و لواط را نابود کننده راه بقای نسل می‌شمارد: «و لا تقربوا الزنى انه كان فاحشه و ساء سييلا»، «أئنكم لتأتون الرجال و تقطعون السبيل»؛ زیرا با رواج راه‌های نامشروع، رغبت به نکاح کم میشود؛ جاذبه‌اش از بین رفته، فقط بار تامین مسکن و نفقه و به دنیا آوردن اولاد و تربیت آنان، باقی میماند؛ در نتیجه، آسان‌ترین راه‌های اشباع غرایز که نامشروع است، رایج میشود و هدف بقای نسل، رنگ میبازد.

4- داشتن فرزندان صالح:

یکی از خواسته‌های غریزی انسان، نیاز فطری به پدر و مادر شدن شمرده، و پاسخ به این خواسته با ازدواج و داشتن فرزند تامین میشود؛ زیرا اصل تولید و تکثیر، از راه‌های غیر مشروع نیز ممکن است؛ ولی در سایه ازدواج، نسلی دارای اصل و نسب پدید می‌آید. قرآن در آیاتی، فرزند را زینت زندگی دنیا شمرده که بیان گر رغبت انسان به داشتن فرزند و برقرار شدن رابطه پدر یا مادر و فرزند است. «المال و البنون زينة الحیوه الدنیا» داشتن فرزند به صورت ثمره ازدواج، با تعبیرهای گوناگونی در قرآن آمده است.

در آیه 223 بقره از این که میگوید: «نساوكم حرث لكم فاتوا حرثكم انی شئتم...»، یادآور میشود که بکوشید از این فرصت بهره‌گیری و با پرورش فرزندان صالح و شایسته که به حال دین و دنیای شما مفید باشد، اثر نیکی برای خود از پیش بفرستید. «... و قدموا لانفسکم...». در آیه 187 بقره پس از آن که از آمیزش با همسر سخن به میان آمده است، میفرماید: «... و ابتغوا ما كتب الله لكم...» که به نظر بسیاری مقصود، طلب فرزند است. در موارد

متعددی از قرآن، خداوند برای داشتن فرزند صالح، خوانده شده است. در آیه 189 اعراف از قول پدر و مادر نقل میکند که عرضه میدارند اگر فرزند صالح نصیبشان شود، شکرگزار خواهند بود: «دعوا الله ربهما لئن ءاتيتنا صالحا لنكونن من الشكرين...». در چند جا، درخواست حضرت زکریا (ع) مطرح شده است که از خداوند، فرزندی که لیاقت جانشینی او را داشته: «... فهب لي من لدنك وليا»، و مورد رضایت پروردگار باشد: «... و اجعله رب رضيا» را خواسته است. در سوره آل عمران، پس از مشاهده شایستگیهای مریم (ع) پروردگارش را میخواند: خداوند! از طرف خود، فرزند پاکیزه ای نیز به من عطا فرما: «... هب لي من لدنك ذریه طيبة انك سميع الدعاء».

5- مودت و رحمت:

از دیگر آثار ازدواج، مودت و رحمت است: «و جعل بینکم موده و رحمه...» آن چه در آغاز زندگی مشترك بین زن و شوهر، یگانگی برقرار میکند، و اثر آن در مقام عمل ظاهر میشود، مودت است؛ ولی پس از گذشت زمان و رسیدن دوران ضعف و ناتوانی، رحمت جای مودت را پر میکند. رحمت و مودت به تعبیر قرآن، دو نشانه الهی و ضامن به پا ماندن بنای زندگی و تداوم وحدت است؛ البته رحمت در همان آغاز زندگی نیز در زندگی نقش دارد. گاهی زحمات و خدمات بلاعوض و ایثارگرانه بدون هیچ گونه چشم داشتی حتی گاهی با برخورد سرد از طرف مقابل، از انسان سر میزند. در اینجا برای حفظ نظام خانوادگی، مودت رنگ میبازد؛ ولی رحمت جایگزین آن میشود.

6- ارضای غریزه جنسی:

غریزه جنسی، نیرویی است که در زن و مرد قرار داده شده و ازدواج، وسیله‌ای مجاز برای اطفای نیروی شهوت و پاسخی به این غریزه خدادادی است: «و الذین هم لفروجهم حفظون * الا علی ازواجهم او ما ملکتم ایمانهم فانهم غیر ملومین» در حدیث آمده است: میان لذتهای مادی و جسمانی در دنیا و آخرت، هیچ کدام به پایه لذت زناشویی نمیرسد؛ سپس امام به آیه 14 آل عمران استشهاد میکند که در میان شهوات گوناگون، علاقه به زن را مقدم داشته است: «زین للناس حب الشهوت من النساء والبنین و القناطر المقتطره...» در آیه 187 بقره میفرماید: خداوند میدانست که شما به خود خیانت میکردید و آمیزش با همسر را که ممنوع شده بود، انجام میدادید؛ بدین سبب، ممنوعیت برداشته شد: «... علم الله انکم کنتم تختانون انفسکم فتاب علیکم و عفا عنکم فالن باشروهن...». این آیه، به نیاز غریزی جنسی اشاره دارد که به رغم ممنوعیت شرعی، مردم به سوی آن کشیده میشوند؛ البته این امر نمیتواند انگیزه اصلی و هدف نهایی ازدواج باشد؛ زیرا غریزه جنسی در زن و مرد، دوره محدودی دارد و اگر غرض از ازدواج، فقط این جهت باشد، باید زوجین هنگام ناتوانی جنسی، یکدیگر را رها کنند یا زن و مردی که توانایی جنسی خویش را از دست داده‌اند، هیچ گاه پیمان زناشویی نبندند.

7- بازداشتن از گناه:

یکی از آثار ازدواج برای زن و مرد، ایجاد زمینه تقوا و دوری از گناهان است. با اشباع غریزه جنسی در زن و مرد، زمینه گناهان شهوت انگیز از میان می‌رود. این که در قرآن از کسی که ازدواج کرده، به «محسن و محصنه» تعبیر شده: «فاذا احصن...»، به جهت این است که زن و مرد، با ازدواج در حصن سنگر مستحکمی قرار می‌گیرند و خود را حفظ می‌کنند تا وسوسه‌های شهوانی در آنان اثر نگذارد؛ بلکه ازدواج، زمینه گناهان دیگر را نیز از بین می‌برد؛ زیرا پذیرفتن مسئولیت تامین و تربیت اولاد، انسان را به استفاده بهینه از عمر و امداد و برای گناه و معاشرتهای گمراه کننده جایی باقی نمی‌ماند.

پیامبر اکرم (ص) فرمود: «من تزوج فقد احرز نصف دینه» با ازدواج، نیمی از دین صیانت می‌شود. در روایتی دیگر آمده است: بدترین مردم، کسانی‌اند که در تجرد به سر می‌برند. در تفسیر آیه 187 بقره «هن لباس لکم و انتم لباس لهن» برخی گفته‌اند: آن گونه که انسان، با لباس از سرما و گرما و حشرات و آسیب‌های جلدی، محافظت می‌شود، زن و مرد، با ازدواج، یکدیگر را از گناه حفظ می‌کنند. در آیه 28 نساء حکمت تشریع ازدواج این گونه بیان شده است: «یرید الله ان یخفف عنکم...»؛ زیرا پیروی از شهوات و در دام گناه افتادن، برای انسان، وزانت و سنگینی می‌آورد و تشریع ازدواج و فراهم شدن امکان آن برای کسی که نمیتواند با زنان آزاد ازدواج کند، از فساد و گناه جلوگیری می‌کند و انسان از عواقب آن در امان می‌ماند و این نوعی توسعه برای انسان شمرده می‌شود.

8- توسعه رزق:

نگرانی از تنگ دستی، یکی از بهانه‌هایی است که برای گریز از ازدواج، مطرح می‌شود. قرآن، این گونه به انسان امیدواری می‌دهد: از فقر و تنگ دستی جوانان و مجردان نگران نباشید و در ازدواج آنها بکوشید: چرا که اگر فقیر باشند، خداوند از فضل خویش، آنان را بی‌نیاز می‌سازد: «و انکحوا الایمی منکم و الصلحین من عبادکم و امائکم ان یکونوا فقراء یغنهم الله من فضله...» برخی گفته‌اند: مفاد این آیه، وعده خداوند به غنا و بی‌نیازی است برای کسانی که تشکیل خانواده دهند. روایاتی نیز این معنا را تایید می‌کند.

در حدیثی، امام صادق (ع) ترک ازدواج به سبب ترس از گرسنگی را سوءظن به پروردگار دانسته است؛ زیرا پس از وعده قرآن به توسعه رزق، نگرانی در این زمینه، جز بدگمانی به خدا نیست. با توجه به اینکه افرادی در جامعه، پس از ازدواج، نه تنها ثروتمند نمی‌شوند، بلکه بر فقرشان افزوده می‌شود و اگر این آیه، متضمن وعده خداوند باشد، خلف وعده لازم می‌آید و خلف وعده قبیح است، گروهی برآنند که برای وعده در این آیه باید معلق بر مشیت الهی در تقدیر گرفته شود؛ یعنی پس از ازدواج، اگر خدا بخواهد، آنان را بی‌نیاز می‌کند، چنان که در آیه 28 توبه، برای وعده الهی به غنا و بی‌نیازی به مشیت خدا تصریح شده است: «و ان خفتم عیله فسوف یغنیکم الله من فضله ان شاء...» اشکال شده است:

همان طور که غنا و بی نیازی متاهلان، به مشیت منوط است، غنا و بی نیازی مجردها و کسانی که همسر ندارند (بلکه هر پدیده‌ای) نیز به مشیت توقف دارد، پس این چه وعده‌ای است که خدا، برای ازدواج داده است؛ زیرا همان گونه که متاهل‌ها، بر اثر مشیت الهی، به دو گونه (فقیر و غنی) تقسیم میشوند، مجردها نیز چنین هستند و اتفاقاً این وعده درباره مجردان در قرآن آمده است: «و ان یتفرقا یغن الله کلا من سعته»... اگر وضعیتی پیش آید که زن و شوهر نتوانند با هم زندگی کنند و از هم جدا شوند، خداوند هر دو را با فضل و رحمت خود بی نیاز خواهد کرد.

پاسخ اشکال آن است که بسیاری از مردم خیال میکنند، ازدواج و فراوانی عائله، سبب فقر، تجرد، سبب پس انداز و ثروت میشود. آیه در صدد آن است که این توهم را از دل‌ها بزدايد و غفلت از رزاق حقیقی را بردارد و به ما بفهماند که گاه، برکت و فراوانی، در مال انسان (با وجود عائله‌مند بودن) ایجاد میشود، و گاهی هم انسان (در عین کم عائله بودن و مجرد زیستن) هر چه میکوشد، در معیشت او پیشرفتی حاصل نمیشود. افزون بر آن که پذیرفتن مسئولیت تامین زن و فرزند، در او مسئولیت پدید می‌آورد. وقت را از بین نمیرد و از عمر خویش استفاده بهینه میکند و با کسب معاش بر عزت و اعتبار خویش می‌افزاید، بنابراین، آیه «ان یكونوا فقراء یغنهم الله» بیان میدارد که گاهی با ازدواج، فقر از زندگی رخت برمیبندد، نه آن که همیشه با ازدواج، فقر برطرف میشود وگرنه این آیه با آیه «ولیس تعفف الذین لا یحدون نکاحا» تناقض مییافت. فخر رازی معتقد است که آیه «ان یكونوا فقراء یغنهم الله» در مقام وعده الهی نیست؛ بلکه مفاد آیه آن است که نباید ترس از فقر، مانع ازدواج شود؛ زیرا مال فناپذیر است و آن چه ارزش و بقا دارد، فضل خدا است که باید در پی آن بود که از انباشتن ثروت بهتر است. «قل بفضل الله و برحمته فبذلك فلیفرحوا هو خیر مما یجمعون».

آثار دیگری نیز بر ازدواج مترتب است؛ مانند حرمت برخی از زنان از جمله مادر زن و خواهر زن و ... که در ازدواج‌های ممنوع خواهد آمد.

اثر دیگر ازدواج، ایجاد حقوق زوجیت است که بحث آن مجال دیگری می‌طلبد.